



باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب غلامرضا حکمتی فر متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه/رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه/رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء



دانشکده علوم انسانی و تربیت بدنی

پاداش و کیفر اخروی
از دیدگاه قاضی عبدالجبار، خواجه نصیرالدین
طوسی و ملاصدرا

نگارش

غلامرضا حکمتی فر

استاد راهنما: دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور: دکتر عین اله خادمی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

تیر ماه ۱۳۹۰

تاييديه هيات داوران:

تقدیم :

به روح پاک دانشمندان مسلمان

که همواره نور علم و ایمانشان چراغ راه مسلمانان بوده است.

تقدیر و تشکر:

پس از ستایش یزدان بی همتا و درود بر اولین مأذون او برای شفاعت بندگان، حضرت محمد (صلی الله علیه واله و سلم) و درود بر عترت و سلاله پاکش (علیهم السلام) از آنجاکه این رساله را، مرهون راهنمایی های استاد گرانقدر جناب آقای دکتر رضا اکبریان و مشاورات عالی استاد ارجمند جناب آقای دکتر عین اله خادمی می دانم، و ایشان این حقیر را رهین منت خود نهاده و در طول تحقیق با صبر و حوصله، با راهنمائیها و ارشادات ارزنده اینجانب را یاری می کردند؛ ا از این دو بزرگوار نهایت سپاسگزاری را دارم.

همچنین از ریاست محترم دانشکده، جناب آقای دکتر احمدی و سایر مسئولین که در راستای شکوفایی علوم انسانی تلاش می نمایند و از کارشناس مسئولان محترم گروه الهیات، مخصوصاً جناب آقای روشن احمدی که امور مربوط به دانشجویان ارشد را سامان می بخشند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و نیز بر خود لازم می دانم از همسر مهربان و فرزندم که بار سنگین مشکلات زندگی را در ایام تحصیل حقیر بدوش کشیدند تشکر ویژه داشته باشم.

"ومن الله التوفیق"

چکیده: از بنیادی ترین مسایلی که همواره ذهن انسان را به خود مشغول داشته است آگاهی از آینده خویش است و اینکه انسان نتایج اعمال دنیوی خود را چگونه، کی، کجا دریافت خواهد کرد. اینکه خداوند انسان را مکلف کرده است به خاطر این است که بندگان را در معرض بزرگترین منفعت که همان ثواب ابدی و دائمی است قرار دهد.

قاضی عبدالجبار و خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف ثواب و عقاب می گویند: در اصطلاح ثواب عبارت است از آن منفعت و سودی که عائد انسان می شود همراه با تعظیم و تکریم و گرامیداشت می باشد. و عقاب ضرر مستحق مقارن استخفاف است .

عبدالجبار معتقد است پاداش و کیفرهای اخروی اجر و مزدی از طرف خدا خواهد بود که به بندگان میدهد و رابطه ای قراردادی بین عمل و پاداش و کیفرهای اخروی برقرار است ایشان نظریه خلود را پذیرفته و بر مبنای آن می گوید روز قیامت پس از موازنه ی اعمال عده ای برای همیشه وارد بهشت و عده ای وارد جهنم می شوند و فاسق را در صورت توبه نکردن خالد در جهنم می داند.

خواجه نصیر الدین پاداش را از فضل و کیفر را از عدل الهی می داند و معتقد به رابطه تکوینی بین عمل و پاداش و کیفر است ولی آن را از نوع عینیت نمی داند، ایشان احباط را باطل و فقط گناهان کفر، شرک، ارتداد و دروغ به خدا و معصومین (ع) را موجب حبط عمل میدانند.

صدرالمتألهین معتقد است که تکلیف و وعده و وعیدها سبب ریاضت و خودسازی است ایشان در مورد ماهیت پاداش و کیفر اخروی قایل به تجسم اعمال بندگان است که در روز قیامت انسان خود را در میان اعمال خود مجسم می بیند. تجسم اعمال یعنی نفس اعمال ما مجسم می شود. البته از سنخ عمل دنیوی نیست بلکه از آنجا که هر عمل یک بدن و یک روح دارد و روح آن عمل وابسته به همان روح انسان است و در آخرت آن را مجسم می یابد.

ایشان معتقد به تکوینی بودن رابطه عمل با پاداش و کیفر است و آن را از نوع عینیت می داند.

کلید واژه های این اثر عبارتند از: پاداش، کیفر، تکلیف، حسن و قبح عقلی، معاد جسمانی، تجسم اعمال، قاضی عبدالجبار، خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالمتألهین شیرازی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۲	۱-۱ - بخش اول: بیان مسأله و اهداف.....
۳	۱-۱-۱ - مقدمه.....
۳	۱-۱-۲ - عنوان تحقیق.....
۳	۱-۱-۳ - بیان مسأله.....
۷	۱-۱-۴ - اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۷	۱-۱-۵ - پرسش های تحقیق.....
۸	۱-۱-۶ - اهداف تحقیق.....
۸	۱-۱-۷ - روش تحقیق.....
۸	۱-۱-۸ - ابزار های گردآوری داده ها.....
۹	۲-۱ - بخش دوم - تعریف کلید واژه ها.....
۱۰	۲-۱-۲ - تعریف واژه ها و مفاهیم.....
۱۰	۲-۱-۱ - ثواب یا پاداش.....
۱۰	۲-۱-۲ - عقاب یا کیفر.....
۱۰	۲-۱-۳ - تکلیف.....
۱۱	۲-۱-۴ - حسن و قبح عقلی.....
۱۱	۲-۱-۵ - معاد جسمانی.....
۱۱	۲-۱-۶ - تجسم اعمال.....
۱۲	۲-۱-۷ - قاضی عبدالجبار معتزلی.....
۱۴	۲-۱-۸ - خواجه نصیرالدین طوسی.....

- ۱۶ صدرالمتألهین شیرازی ۹-۲-۱
- ۱۹ بخش سوم: پیشینه تحقیق ۳-۱
- ۲۱ پایان نامه ها ۱-۳-۱
- ۲۱ مقالات ۲-۳-۱
- ۳۳ فصل دوم: ماهیت پاداش و کیفر اخروی
- ۲۴ ۱-۲ بخش اول: تعریف و صفات پاداش و کیفر
- ۲۵ ۲-۱-۱ مقدمه
- ۲۵ ۲-۱-۲ تعریف پاداش و کیفر
- ۲۵ ۲-۱-۳ صفات پاداش و کیفر
- ۲۸ ۲-۱-۴ ماهیت مکلف
- ۳۰ ۲-۱-۵ انسان مکلف در قوس صعود و نزول
- ۳۲ ۲-۱-۶ تکوین یافتن انسان و قوای نفس او
- ۳۴ ۲-۲ بخش دوم: عالم مثال یا برزخ
- ۳۵ ۲-۲-۱ تبیین حیات برزخی انسان
- ۳۵ ۲-۲-۲ اثبات عالم برزخ یا مثال
- ۳۸ ۲-۲-۳ دلایل عقلی برای اثبات عالم مثال
- ۳۸ ۲-۲-۳-۱ دلیل اول
- ۳۹ ۲-۲-۳-۲ دلیل دوم
- ۳۹ ۲-۲-۳-۳ دلیل سوم
- ۳۹ ۲-۲-۳-۴ دلیل چهارم
- ۴۰ ۲-۲-۳-۵ دلیل پنجم
- ۴۱ ۲-۲-۳-۱ دلیل ششم
- ۴۱ ۲-۲-۳-۱ دلیل هفتم

- ۲-۲-۴- اثبات برزخ از طریق تجرد خیال..... ۴۲
- ۲-۲-۵- پاداش و کیفر در عالم برزخ..... ۴۵
- ۲-۲-۶- تفاوت های عالم مثال نزولی و صعودی..... ۴۶
- ۲-۲-۷- ماهیت قبر و پاداش و کیفر آن..... ۴۷
- ۲-۳- بخش سوم: معاد، روحانی یا جسمانی؟..... ۵۳
- ۲-۳-۱- ماهیت پاداش و کیفر اخروی..... ۵۴
- ۲-۳-۲- معاد، روحانی یا جسمانی؟..... ۵۴
- ۲-۳-۳- اصولی که به اثبات معاد جسمانی می پردازد..... ۵۸
- ۲-۳-۳-۱- اصل اول: تشخیص وجود..... ۵۹
- ۲-۳-۳-۲- اصل دوم: اصالت وجود..... ۵۹
- ۲-۳-۳-۳- اصل سوم: تشکیک وجود..... ۵۹
- ۲-۳-۳-۴- اصل چهارم: تشکیک وجود و حرکت اشتدادی ذاتی..... ۵۹
- ۲-۳-۳-۵- اصل پنجم: هویت مرکبات به صورت است نه ماده..... ۵۹
- ۲-۳-۳-۶- اصل ششم: وحدت شخیص و وجود..... ۶۰
- ۲-۳-۳-۷- اصل هفتم: تشخیص بدن به نفس..... ۶۰
- ۲-۳-۳-۸- اصل هشتم: قایم نبودن قوه خیال به محلی از بدن..... ۶۰
- ۲-۳-۳-۹- اصل نهم: صور خیالی قایم به نفس می باشند..... ۶۰
- ۲-۳-۳-۱۰- اصل دهم: چگونگی حصول صور مقداری..... ۶۰
- ۲-۳-۳-۱۱- اصل یازدهم: نشأت سه گانه..... ۶۱
- ۲-۳-۳-۱۲- ماهیت مرگ طبیعی..... ۶۱
- ۲-۳-۳-۱۳- رابطه نفس و بدن..... ۶۲
- ۲-۳-۳-۱۴- ذکر اصول ششگانه توسط ملاهادی سبزواری..... ۶۳
- ۲-۳-۳-۱۴-۱- اصل اول: تشخیص وجود..... ۶۳

- ۶۴ ۲-۳-۳-۱۴-۲ اصل دوم: اصالت وجود
- ۶۴ ۲-۳-۳-۱۴-۳ اصل سوم: تشکیک وجود
- ۶۴ ۲-۳-۳-۱۴-۴ اصل چهارم: عالم مثال
- ۶۵ ۲-۳-۳-۱۴-۵ اصل پنجم: تشکیک وجود و حرکت اشتدادی ذاتی
- ۶۵ ۲-۳-۳-۱۴-۶ اصل ششم: وحدت شخصه وجود
- ۶۷ ۲-۳-۴- شبیهات معاد جسمانی
- ۶۸ ۲-۳-۵- نتایج حاصل از اصول
- ۶۹ ۲-۳-۶- پاداش و کیفر قوای مختلف نفس
- ۶۹ ۲-۳-۷- بیان سایر تصورات معاد جسمانی
- ۷۲ ۲-۴- بخش چهارم: تجسم اعمال
- ۷۳ ۲-۴-۱- تجسم اعمال
- ۷۳ ۲-۴-۲- حرکت جوهری
- ۷۳ ۲-۴-۲-۱- تعریف حرکت
- ۷۶ ۲-۴-۲-۲- تعریف حرکت جوهری
- ۸۰ ۲-۴-۲-۳- موضوع حرکت
- ۸۱ ۲-۴-۲-۴- اثبات محرک و دلایل حکما
- ۸۱ ۲-۴-۲-۵- دلایل حرکت در جوهر
- ۸۲ ۲-۴-۲-۵-۱- دلیل اول
- ۸۴ ۲-۴-۲-۵-۲- دلیل دوم
- ۸۵ ۲-۴-۲-۵-۳- دلیل سوم
- ۸۵ ۲-۴-۲-۵-۴- دلیل چهارم
- ۸۹ ۲-۴-۲-۶- موضوع حرکت جوهری
- ۸۹ ۲-۴-۲-۷- نتایج حرکت جوهری

- ۹۰ ۲-۴-۲-۷-۱- نتیجه اول : حدوث زمانی عالم
- ۹۰ ۲-۴-۲-۷-۲- نتیجه دوم : جسمانی بودن مبدأ و اصل نفس
- ۹۰ ۲-۴-۲-۷-۳- نتیجه سوم: معاد جسمانی
- ۹۱ ۲-۴-۲-۸- پیدایش عالم و حرکت جوهری
- ۹۲ ۲-۴-۳- کیفیت تجسم اعمال از نظر ملاصدرا
- ۹۵ ۲-۵- بخش پنجم : نتیجه گیری
- ۹۶ ۲-۵- نتیجه گیری
- ۹۶ ۲-۵-۱- تعریف تجسم اعمال
- ۹۶ ۲-۵-۲- نظریه های پاداش و کیفر
- ۹۷ ۲-۵-۲-۱- نظریه اجر و مزد
- ۹۸ ۲-۵-۲-۲- نظریه تجسم ملکات
- ۹۹ ۲-۵-۲-۳- نظریه تجسم اعمال
- ۱۰۰ ۲-۵-۳- قرآن و تجسم اعمال
- ۱۰۲ فصل سوم : اثبات وجود پاداش و کیفر اخروی
- ۱۰۳ ۳-۱- مقدمه
- ۱۰۳ ۳-۲- دلایل وجود پاداش و کیفر اخروی
- ۱۰۳ ۳-۲-۱- تکلیف شرط وجود پاداش و کیفر اخروی
- ۱۰۴ ۳-۲-۲- وعدو وعید الهی دلیل پاداش و کیفر اخروی
- ۱۰۴ ۳-۲-۳- عدل الهی دلیلی بر پاداش و کیفر اخروی
- ۱۰۵ ۳-۳- حسن و قبح عقلی
- ۱۰۵ ۳-۳-۱- معنای حسن
- ۱۰۶ ۳-۳-۲- معنای قبیح
- ۱۰۷ ۳-۳-۳- حسن و قبح عقلی و ذاتی

- ۱۰۷ ۳-۳-۴- دلایل متکلمین عدلیه بر حسن و قبح عقلی
- ۱۰۷ ۳-۴-۴- عدل الهی
- ۱۰۷ ۳-۴-۱- معنی عدل
- ۱۰۸ ۳-۴-۲- رابطه ی بحث حسن و قبح با عدل الهی
- ۱۰۹ ۳-۵- نتیجه گیری
- ۱۱۲ فصل چهارم: ارتباط بین عمل و نیت با پاداش و کیف ر
- ۱۱۳ ۴-۱- تعریف واژه ه ا
- ۱۱۳ ۴-۲- رابطه ی نیت با عمل
- ۱۱۴ ۴-۳- رابطه ی نیت خیر و پاداش ها
- ۱۱۷ ۴-۴- حسن فعلی و حسن فاعلی
- ۱۲۰ ۴-۵- تأثیر حسن فاعلی بر نفس
- ۱۲۳ ۴-۶- رابطه ی عمل با پاداش ها و کیفر های اخروی
- ۱۲۵ فصل پنجم: مکان تحقق پاداش و کیفر اخروی
- ۱۲۶ ۵-۱- مقدمه
- ۱۲۶ ۵-۲- حقیقت بهشت و جهنم
- ۱۳۵ ۵-۳- در های بهشت و جهنم
- ۱۳۸ ۵-۴- بهشت آدم، بهشت برزخ، بهشت دنیوی
- ۱۳۸ ۵-۵- بهشت خلد و بهشت عدن
- ۱۳۹ ۵-۶- مکان بهشت و جهنم
- ۱۴۰ ۵-۷- پاداش و کیفر برزخی
- ۱۴۱ ۵-۸- مواظن قیامت
- ۱۴۲ ۵-۹- نتیجه گیری
- ۱۴۴ فصل ششم: فروع مبحث پاداش و کیفر

- ۱۴۵ ۶-۱- مقدمه
- ۱۴۵ ۶-۲- موافات
- ۱۴۵ ۶-۲-۱- تعریف موافات
- ۱۴۶ ۶-۲-۲- نظر قاضی عبدالجبار
- ۱۴۶ ۶-۲-۳- نظر خواجه نصیرالدین
- ۱۴۶ ۶-۲-۴- نظر صدرالمتألهین شیرازی
- ۱۴۷ ۶-۳- احباط
- ۱۴۷ ۶-۳-۱- تعریف واژه ها
- ۱۴۸ ۶-۳-۲- نظر قاضی عبدالجبار
- ۱۴۸ ۶-۳-۳- نظر خواجه نصیرالدین
- ۱۵۰ ۶-۳-۴- نظر صدرالمتألهین
- ۱۵۱ ۶-۳-۵- نتیجه گیری
- ۱۵۲ ۶-۴- صراط
- ۱۵۲ ۶-۴-۱- تعریف
- ۱۵۶ ۶-۴-۲- نظر قاضی عبدالجبار
- ۱۵۶ ۶-۴-۳- نظر خواجه نصیرالدین
- ۱۵۶ ۶-۴-۴- نظر صدرالمتألهین
- ۱۵۷ ۶-۴-۵- نتیجه گیری
- ۱۵۸ ۶-۵- خلود
- ۱۵۸ ۶-۵-۱- تعریف
- ۱۵۹ ۶-۵-۲- آیات مربوط به خلود در جهنم
- ۱۵۹ ۶-۵-۳- کسانی که بر اساس آیات خالد در جهنم اند
- ۱۶۰ ۶-۵-۴- آیات مربوط به خلود در بهشت

- ۱۶۲ ۶-۵-۵- روایات مربوط به خلود
- ۱۶۳ ۶-۵-۶- دلیل عقلی بر خلود
- ۱۶۷ ۶-۵-۷- نظر قاضی عبدالجبار
- ۱۶۷ ۶-۵-۸- نظر خواجه نصیرالدین
- ۱۶۹ ۶-۵-۹- نظر صدرالمتألهین
- ۱۷۱ ۶-۵-۱۰- نتیجه گیری
- ۱۷۱ ۶-۶- شفاعت
- ۱۷۱ ۶-۶-۱- تعریف
- ۱۷۴ ۶-۶-۲- نظر قاضی عبدالجبار
- ۱۷۶ ۶-۶-۳- نظر خواجه نصیرالدین
- ۱۷۷ ۶-۶-۴- نظر صدرالمتألهین
- ۱۷۸ ۶-۶-۵- نتیجه گیری
- ۱۷۹ پیشنهادات
- ۱۸۰ فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات تحقیق

بخش اول از فصل اول

بیان مسأله و اهداف

۱-۱-۱- مقدمه

وجود بهشت با همه نعمتهایش و جهنم با همه انواع عذابهای وحشتناک که در متون دینی بعنوان پاداش و کیفر اخروی اعمال دنیوی انسانها به تصویر کشیده شده است اندیشمندان را به فکر عمیق و متحیرانه فروبرده است. این همه عذاب جهنم را اندیشمندانی چون قاضی عبدالجبار، خواجه نصیرالدین طوسی و صدرالمتألهین شیرازی معتقدند خداوند از روی رحمت برای واردنشدن انسان در حریم گناه قرار داده است و نعمتهای بهشتی نیز نوید و مژده‌ای است برای اینکه در انسان میل به انجام عمل صالح ایجاد شود.

اما می بینیم از طرفی وجود کیفرهای مختلف جهنم و پاداش‌های متنوع بهشت انبوهی از شبهات را در ذهن متفکران پدید آورده است و هرکس براساس باور خود در مورد چیستی پاداش و کیفرهای اخروی، رابطه عمل و پاداش و کیفر، مکان تحقق پاداش و کیفرهای اخروی و دیگر مسایل مربوط به آن از قبیل موافات، احباط و تکفیر، صراط، خلود، شفاعت و میزان تلقی خاصی با این مسایل را داشته است.

در این بخش و دو بخش دیگر فصل اول تلاش می‌شود تا چهارچوب کلی این پژوهش در مورد این مسأله مهم از جمله عنوان پژوهش، بیان مسأله، پرسش‌های تحقیق، فرضیه‌های آن، اهمیت و ضرورت تحقیق و هدف آن، کلید واژه‌های تحقیق و روش جمع‌آوری اطلاعات در آن مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱-۲- عنوان تحقیق

از آنجا که سعی بر آن است که دیدگاه‌های مختلفی از میان اندیشمندان در مورد این مسأله مورد بررسی قرار گیرد لذا سه محقق صاحب‌نظر انتخاب گردیده و موضوع پژوهش تحت عنوان «پاداش و کیفر اخروی از دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی، خواجه نصیرالدین طوسی و صدرالمتألهین شیرازی» مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱-۳- بیان مسأله

از جمله مسائلی که ضرورت معاد در روز قیامت را اثبات می‌کند عدل الهی است و مسأله ثواب و عقاب الهی نیز که از لوازم عدل الهی است در مورد آن سوالات زیادی مطرح است و متکلمین و حکمای مسلمان پاسخ‌های متنوعی به آن داده‌اند، از جمله اینکه ماهیت پاداش و کیفرهای اخروی چیست؟ آیا از سنخ ماده است یا روح؟ و اگر ماده است همین ماده طبیعی و دنیوی است یا در آخرت ماده خاص خود را دارد؟ و نیز سؤالاتی در مورد مکان تحقق پاداش و کیفرها و رابطه آن

با اعمال دنیوی مطرح است که تبیین آن از دیدگاه متکلمین و حکمای مسلمان با توجه به دیدگاه های خاص هر یک در این مورد متفاوت بیان شده است.

قاضی عبدالجبار که معتقد به جواز اعاده جوهر است و معاد را اعاده ی اجزای اصلیه ی همین بدن دنیوی میداند پاداش و کیفر های اخروی را اجر و مزدی از طرف خدا می داند. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵، ج ۱۱، صص ۴۶۵-۴۵۶)

عبدالجبار دلیل هستی و فلسفه وجود مجازاتهای اخروی را وعد و وعیدهای الهی می داند و می گوید خداوند به نیکوکاران وعده ی پاداش و به بدکاران وعده ی عذاب داده است و جایز نیست خلف وعده کند چون اگر اینگونه شود فعل قبیح است و از آنجا که علم به قبح آن دارد و از انجام آن بی نیاز است آن را انجام نمی دهد. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲ق، ص ۱۳۵)

معتزله براساس اصل عدل انسان را دارای قدرت، اراده و خواست و توانایی می دانند که پروردگارش برای وی آفریده است و او براین اساس وظایف خود را به صورت آزاد و مستقل انجام می دهد. به اعتقاد آنان انسان از روی حقیقت و نه مجاز خالق افعال خویشان است و این افعال واقعاً از وی سر می زند و به همین علت نیز انسان متناسب با اعمال خود مستوجب ثواب و عقاب می تواند باشد و هرگونه شبهه ستمگری از ساحت خدای تعالی مرتفع خواهد بود.

آنان براین عقیده اند که اعتقاد به جبر انسان را در اعمال مستلزم نفی عدالت از ذات خداوند و انتساب ستم به حق تعالی خواهد بود. زیرا کیفر و پاداش در قبال اعمالی است که انسان خود انجام می دهد نه با اجبار. از نظر آنان اصل منزله المنزلین در مورد مرتکب کبیره اثبات می کند که ایشان نه مؤمن است نه کافر بلکه فاسق است و عقل را مجال ورود به حیظه آن نیست زیرا که در آن سخن از ثواب و عقاب است و با عقل نمی توان بدان آگاهی یافت. (نجاح، حسن، ۱۳۷۶، صص ۵۹-۵۱)

این مطلب نیز نشان می دهد که عبدالجبار با اینکه عقل گراست نیز در باب پاداش و کیفر های اخروی کار عقل را در این مورد ناقص دانسته بیشتر از نقل کمک می گیرد.

خواجه نصیرالدین طوسی چون همانند عبدالجبار معتقد به حسن و قبح عقلی و ذاتی است می گوید اینکه خداوند انسان را مکلف کرده است که فلان کار را انجام دهد و نهی کرده که فلان کار را انجام ندهد و در اطاعت از او مستحق اینگونه ثواب و در نافرمانی مستحق عقاب اخروی می شود به خاطر این است که بندگان را در معرض بزرگترین منفعت که همان ثواب ابدی و دائمی است قرار دهد. (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۶)

ایشان در کتاب آغاز و انجام می گوید: "قومی هستند که از حیز فضل اند، **يُيَدَّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ** حَسَنَاتٍ و بازاء ایشان آنها که **حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ** و قومی هستند که از حیز عدلند، **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ**

خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ وَ بازاء ایشان آنهایی که لاجرم، اَنْهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْاٰخِسْرُونَ در شأن ایشان است. و همچین قومى را، يُوْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ و قومى را، سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ و قومى را در ثواب، يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ، و قومى را، يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ و این تفاوت بسبب تفاوتیست که در سیئات و حسنات باشد نسبت با هر قومى که، «حسنات الابرار سیئات المقربین» و از سیئه آدم تا سیئه ابلیس تفاوت بسیار است، در خبر است که، «ضربه علی یوم الخندق توازی عمل الثقلین» پس بالای همه ثوابها ثواب کسانی است که بحکم آن جهان خودی خود را در بازند، و فوق کل بر بر حتى یقتل الرجل فی سبیل الله همچنانکه بالای همه عقابها عقاب کسانی است که بحکم آن جهانی خودی خود را زیان کنند، اَلَّذِينَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ. " (خواجه نصیرالدین طوسى، ۱۳۷۴ش، ص ۷۲)

با توجه به این مطالب می بینم اگرچه ایشان در تجرید الاعتقاد احباط را باطل می داند (خواجه نصیرالدین طوسى، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۳) ولی در اینجا از باب تفضل تکفیر را جایز و در مقابل آن احباط را نیز فقط برای برخی گناهان مثل کفر، شرک، ارتداد و بی احترامی به خدا و پیامبرش صحیح شمرده است و حتی سیئه یا حسنه بودن اعمال را نسبت به افراد عامل آنها متفاوت می داند. (علاقه التجرید، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳۹)

خواجه نصیرالدین طوسى پس از اثبات معاد جسمانی مسأله ثواب و عقاب را مطرح کرده است و ثواب را نفع مستحق مقارن تعظیم و عقاب را ضرر مستحق مقارن استخفاف تعریف کرده است. شرط و علت ثواب مشقت و تکلیف است چون الزام مشقت از قادر حکیم بدون غرض خالی نیست؛ از نظر ایشان مکلف مستحق عقاب و مذمت است یا به فعل قبیح یا از جهت اخلاق به واجب. (علوی عاملی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۱۱۲۰)

ایشان یکی از دلایل وجود کیفرهای اخروی را لطف الهی می داند و می گوید: "انسان با ارتکاب گناه و ترک واجب استحقاق کیفر را پیدا می کند برای اینکه کیفر مستلزم لطف الهی است" (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۵۴۶)

حکمای اسلامى که پرچمدار آنها صدرالمألهین شیرازی است معتقدند که این تکلیف و وعده و وعیدها سبب ریاضت و خودسازی است و نفس عادت می کند در احوالات مبدأ و معاد بیندیشد و پرده غفلت را دریده تا بشر متوجه ثواب اخروی گردد. (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۷)

ایشان در مورد ماهیت پاداش و کیفر اخروی قایل به تجسم اعمال بندگان است که در روز قیامت انسان خود را در میان اعمال خود مجسم می بیند و این عین عمل انسان است که به او برگردانده می شود. چرا که تناسب میان عمل و پاداش و کیفر در آخرت برقرار است.